



فراروندهای جهان

تغییرات اجتماع و جمعیت، انفکاک یا همگرایی، شهری شدن



سلسله گزارش

پروژه فراروندها

گزارش شماره ۳-۴

بهار ۱۳۹۵

ویرایش ۱

دبیرخانه آینده‌نگاری ملی

دبیرخانه آینده‌نگاری ملی، با هدف کمک به فعالان حوزه‌های تخصصی کسب‌وکار و خبرگان دانشگاهی برای ایجاد ادراک از تحولات کلان و اساسی در حوزه‌های مختلف و همچنین فرهنگسازی و ترویج نگاه بلندمدت به راهبردها و سیاست‌های کلان ملی، پروژه‌ای تحت عنوان "فراروندها" تعریف نموده و اجرایی کرده‌است. در این راستا گزارش‌هایی در زمینه مهم‌ترین فراروندهای جهانی و معرفی مطالعات داخلی و خارجی در زمینه فراروندها تهیه و انتشار می‌یابد.

دبیرخانه همچنین تلاش دارد تا با توجه به گذشت زمان و با تکیه بر تشکیل نشست‌های تخصصی در خصوص موضوعات مربوط به «فراروندها» بتواند در رهگذر ارزیابی‌های خبرگان و متخصصان آن موضوع، زمینه لازم برای کمک به درک تحولات آینده و ترویج نگاه بلندمدت را فراهم آورد.

www.IranForesight.com

کلیه حقوق و مالکیت این گزارش متعلق به برنامه آینده‌نگاری ملی است.

به منظور استناد به این گزارش به صورت زیر استناددهی شود:

- دبیرخانه آینده‌نگاری ملی (۱۳۹۵). فراروندهای جهانی: تغییرات اجتماعی و جمعیتی، انفکاک یا همگرایی، شهری شدن، تهران، برنامه ملی آینده‌نگاری

پژوهشگران کلیدی طرح:

- مشکات اسدی
- امیر ناظمی
- مژده اشراقی
- مهدیه آزمندیان

Global Megatrends

Report No.4-3

Main Project: Megatrends Project

© Copyright 2016, Iran National Foresight Program
All rights reserved.

Published Jun, 2016



This document may not, in whole or in part, be copied, photocopied, reproduced, translated, or reduced to any machine readable form without National Foresight Program's formal permission. Every effort has been made to ensure the accuracy of this document. However, National Foresight Program shall not be liable for any error or for incidental or consequential damages pertinent to the form, performance, or use of this document or the examples within. The information herein is subject to change without notice.

Trademarks

Other product names mentioned in this document may be trademarks or registered trademarks of their respective companies and are the sole property of their respective owners.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۶	۱ پیشگفتار
۷	۲ فراروند چیست؟
۸	۳ تغییرات اجتماعی و جمعیتی
۸	۱-۳ سالخوردگی
۱۱	۲-۳ فراروند جمعیتی پویا
۱۱	۱-۲-۳ رشد - جمعیت جهانی در حال افزایش
۱۱	۲-۲-۳ کشورهای جوان در مقابل کشورهای پیر - جهانی پر از تضاد
۱۱	۳-۲-۳ مهاجرت - جهانی در حرکت
۱۱	۴-۲-۳ شهری شدن - کلان شهرها در برابر زمین‌های بایر
۱۲	۳-۳ فردگرایی افراطی
۱۳	۴ جهانی شدن و منطقه گرایی : (انفکاک یا هم گرایی)
۱۳	۱-۴ جهانی شدن
۱۴	۲-۴ منطقه گرایی
۱۵	۱-۲-۴ غیرسرزمینی شدن جغرافیا
۱۷	۵ شهری شدن سریع
۱۸	۱-۵ شهرهای جهانی
۲۰	۲-۵ دیپلماسی شهری
۲۲	۳-۵ حکمرانی خوب شهری
۲۴	۶ منابع برای مطالعات بیشتر

علی‌رغم یک قرن پیشرفت اقتصادی، توسعه فناوریانه و مادی و وقوع جنگ‌های بزرگ، صد سال گذشته، شاهد رشد بی‌سابقه‌ای در جمعیت جهان بوده‌ایم. فرا روند تغییر اجتماعی و جمعیتی به ارزیابی روند‌های احتمالی جمعیت و ارزیابی پیامدهای اجتماعی آن در آینده می‌پردازد. حوزه‌ی اجتماعی همچنین به ارزیابی ماهیت متغییر روابط اجتماعی و موقعیت فرد در جامعه، چگونگی تعامل و درک آینده برای کاهش ریسک و بهره‌برداری از فرصت‌ها در آینده خواهد پرداخت. افزایش جمعیت جهانی، سالخوردگی جوامع، پراکندگی نامتوازن نیروی کار در کشورها و مناطق در سطح جهان، و عواملی از این دست را می‌توان از مسائل اصلی منتج از فراروند تغییرات جمعیتی دانست.

بی‌تردید جهانی شدن به عنوان یک فرا روند پدیده‌ی شگرفی است که بخش مهمی از ادبیات رایج در چند دهه‌ی اخیر را به خود اختصاص داده و بیشترین تأثیر را بر زندگی فردی و اجتماعی بشر معاصر گذاشته است. جهانی شدن برای هر متفکر با هر خاستگاه و مشرب فکری تعریف ویژه‌ای دارد. امروزه جهانی شدن به عنوان یک روند تأثیرگذار به یکی از بارزترین و بحث‌انگیزترین ویژگی‌های زندگی معاصر تبدیل شده است. درک درست و همه‌جانبه روند جهانی شدن مستلزم شناخت و تحلیل مناسب روندهای بدیل این کلان روند است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به «منطقه‌گرایی» و تأثیرات متقابل آنها با یکدیگر توجه داشت در این گزارش تلاش شده است که تأثیر متقابل این دو مفهوم از رویکردهای مختلف بررسی و تحلیل شود.

رویدادهای متعددی که در یک توالی خاص و (حتی به موازات هم) و در یک بازه زمانی و بافتار خاص رخ می‌دهد، تشکیل یک روند می‌دهند. به طور معمول ترکیب چندین روند، باعث به وجود آمدن یک «فرا روند» می‌شود. فرا روندها، به عنوان یندهای دگرگونی بلندمدت با دامنه وسیع‌تر و تأثیرات ریشه‌ای‌تر مطرح هستند.

فرا روندها، عوامل پر قدرتی هستند که به آینده شکل می‌دهند، فرا روندها با روندها در حوزه‌ی افق زمانی، وسعت و شدت تأثیرات، تفاوت‌هایی دارند. فرا روندها را می‌توان در افق چند دهه تعریف کرد. این نوع تحولات گسترده را می‌توان به عنوان آینده یا آینده‌هایی با افق ۱۵ سال نیز تعریف کرد. تأثیران فرا روندها را می‌توان برای مناطق مختلف و ابعاد مختلف سیستم‌ها و زیر سیستم‌های اجتماعی در نظر گرفت. به عبارت دیگر یک فرا روند می‌تواند در ابعاد سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی تأثیرات و دگرگونی‌های عمیقی دربرداشته باشد. همچنین فرا روندها می‌توانند بر گستره وسیعی از بازیگران مانند اد جامعه، شرکت‌ها، سازمان‌ها و دولت‌ها، تأثیرات شدیدی داشته باشند. با داشتن آنچه از لحاظ تاریخی می‌تواند تغییر کند، سناریوهای آینده می‌توانند قابل فهم‌تر باشند. با کاوش در بازه‌ای از واحدها با گروه‌ها، می‌توانیم از حصار تنگ ملت‌ها به عنوان تنها واحد برای مطالعه آینده خارج شویم. سرانجام با درک مطالعه تاریخ می‌توانیم به درک بهترین از آینده دست یابیم. فرا روندهای تاریخی با نشان دادن اهمیت گذشته، تصویر آینده را تعدیل می‌کنند. همچنین قصد دارند که گذشته، حال و آینده را تشریح نموده تا حد مشخصی حرکت واحدها در طول زمان را پیش‌بینی کند.

۱-۳ سالخوردگی

سالخوردگی جمعیت عبارت است از برهم خوردن تناسب سنی جمعیت به نحوی که سهم جمعیت جوان از کل جمعیت، کاهش می‌یابد، در حالی که سهم جمعیت سالمند رو به افزایش می‌رود. با این وجود رشد جمعیت سالمند از افزایش نسبی سهم جمعیت سالمند متغایر و متفاوت است. ممکن است جمعیت سالمند به سرعت رو به افزایش باشد، در حالی که سهم جمعیت سالمند با نسبی مختلف ثابت بماند. بنابراین سالخوردگی از دو مسیر متفاوت به پدیدار شدن سالخوردگی جمعیت منجر می‌شود. اول وقتی امید به زندگی افزایش می‌یابد و به همین علت اد با شانس بیشتری و در تعداد بیشتری به سنین سالمندی می‌رسند و دوم کاهش باروری که بلادرنگ به کاهش جمعیت جوان زیر ۱۵ سال و به تدریج افزایش نسبی جمعیت بالاتر می‌انجامد. سالخوردگی جمعیت در سطح جهانی می‌رود که به یک پدیده‌ی گیر تبدیل گردد. قبل از این سالخوردگی جمعیت در کشورهای توسعه یافته آغاز شده بود و در برخی از کشورهای در حال توسعه نیز در حال رخداد است. بدین علت می‌توان مدعی شد پدیده‌ی سالخوردگی جمعیت، یک پدیده جهانی و گیر است. پیش‌بینی‌های جمعیتی نشان داده است که روند نسبتاً قطعی در تداوم سالخوردگی به وجود خواهد آمد. که در قرن ۲۱ این روند تحکیم خواهد شد. البته مشخص است که روند مذکور از جهت شدت و عمق سالخوردگی در بین مناطق و کشورهای مختلف، به طور قابل ملاحظه‌ی فرق خواهد داشت. بنابراین سالخوردگی جمعیت در عین این که یک پدیده‌ای عام است از برخی جهات نسبت به جغرافیای متفاوت خاص می‌شود. جمعیت جهانی به سرعت در حال سالخورده شدن است و براساس پیش‌بینی‌های جمعیتی سازمان ملل متحد جمعیت ۶۰ ساله و بالای آن در کل دنیا حدوداً ۱۳ درصد است که تا میانه قرن بیست و یکم به حدود ۲۲ درصد خواهد رسید. همه‌ی کشورهای دنیا در حال سالخورده شدن هستند و سالخوردگی به عنوان یک فرا روند آینده جهان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. نکته مهم این است که سهم مهمی از این افزایش جمعیت سالخورده در آینده به کشورهای در حال توسعه اختصاص دارد. به طوریکه تا سال ۲۰۵۰ از هر ۱۰ نفر سالمند حدود ۸ نفر در این کشورها زندگی خواهند کرد. سهم سالمندان بالای ۸۰ سال که در حال حاضر حدود ۱۴ درصد کل جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر را تشکیل می‌دهد. تا سال ۲۰۵۰ به ۱۹ درصد خواهد رسید و زمان کمی برای انطباق تسهیلات لازم برای ارتقاء کیفیت زندگی این گروه باقی است.

در این شرایط سهم زیادی از این سالمندان نیازمند مراقبت‌های طولانی مدت هستند و لازم است کشورها برنامه‌ها و اقداماتی جدی برای مقابله با این شرایط در پیش بگیرند. (سازمان ملل متحد، گزارش سالخوردگی جمعیتی دنیا ۲۰۱۳)

طبق گزارش سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۳ سالخوردگی جمعیت، از عواملی چند سرچشمه می‌گیرد.

۱- افزایش جمعیت سالمند در جهان از افزایش امید به زندگی سرچشمه می‌گیرد.

از جهت دیگر سالخوردگی جمعیت از نظر تعداد سالمندان، اساساً حاصل باروری بالا در گذشته است نه کاهش باروری.

کاهش باروری تنها توزیع نسبی جمعیت در ترکیب سنی را به نفع سنین بالا تغییر می‌دهد.

گذشته از این که سالخوردگی جمعیت حاصل گذار مرگ و میر گذار جمعیتی است، نباید از اثرات مثبت توسعه، که این گذارها در بستر آن شکل می‌گیرند، غافل بود

در سال‌های آینده جمعیت جهانی به سرعت در حال افزایش است پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۵ یک میلیارد نفر به جمعیت جهان اضافه است و جمعیت جهان به ۸ میلیارد نفر برسد. که در این میان بالاترین رشد برای جمعیت بالای ۶۵ سال است که جزء گروه سالمندان محسوب می‌شوند. اما در این میان تغییرات منطقه‌ای جمعیت بسیار متفاوت است. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۵۰ جمعیت آفریقا دو برابر شود این در حالی است که انتظار می‌رود جمعیت اروپا کمتر شود.

در حالی که این تغییرات جمعیتی خطراتی را برای بنگاه تجاری دارند و ممکن است آنها را با شکست مواجه کنند در عین حال ممکن است فرصت بزرگی را هم برای این سازمان‌ها هم کند.

دو منبع اصلی که مشتریان برای رشد مورد هدف قرار می‌دهند، عبارتند از: ۱- قدرت مصرفی سنجش‌های جمعیتی در حال رشد ۲- پتانسیل نوآورانه نیروی کار

برای مثال تا سال ۲۰۴۵، جمعیت نیجریه از جمعیت آمریکا تجاوز می‌کند.

در گذشته زنان در کشورهای صنعتی (QI) ۲/۳ بودجه خانواده را با کار خانه کنترل می‌کردند. این در حالی است که امروزه تفاوت دستمزد آنها با مردان در حال کاهش است. این در حالی است که برآورد می‌شود تا یک دهه‌ی آینده ۸۶۵ میلیون زن وارد مسیرهای اصلی اقتصاد شوند و به این ترتیب قدرت خرید آنها در حال افزایش است.

یکی دیگر از این فرصت‌ها تغییرات جمعیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، حرکت‌های جمعیتی جهانی است. تعداد زیادی از این اد را کارگرانی تشکیل می‌دهند که برای کار بیرون از کشور خود راهی دیگر کشورها می‌شود که تعداد آنها نسبت به گذشته ۲۵٪ افزایش پیدا کرده است و این در حالی است که روند روبه رشد این اد تا سال ۲۰۲۵ تا ۵٪ افزایش خواهد یافت.

و این موضوع برای شرکت‌ها فرصتی را هم می‌کند تا با جذب این اد فعالیت‌های خود را افزایش دهند.

در میان همه‌ی این فرصت‌ها، موضوع اصلی حرکت به سمت درایورهای جهانی است. شواهد حاکی از آن است که تنوع محل‌های کار با افزایش کارایی تجاری و اقتصادی آنها رابطه‌ی مستقیمی دارد. شرکت‌های با کارکرد نوآورانه، محلی برای جذب این کارگران هستند و این خود زمینه افزایش درآمد مادی آنها را هم می‌آورد.

اما در کنار این فرصت‌ها تغییرات جمعیتی چالش‌هایی نیز به همراه دارند. اما افزایش قطعی جمعیت جهان، بزرگترین چالش نیست که ما با آن روبرو هستیم. در عوض ترکیب شاخص امید به زندگی و کاهش نرخ مولد، در آینده جمعیت جهان را با سالخوردگی یا سالمندی روبرو خواهد کرد.

در سال ۲۰۵۰ میانگین سنی کشور ژاپن ۵۳ سال در مقابل ۲۱ سال در کشور نیجریه است.

در این شرایط اروپا، آسیا و امریکای لاتین با افزایش زنان بیشتر، و افزایش جمعیت مسن و افزایش مهاجرین در نیرو کار خود مواجه خواهند بود. جمعیت جوان آفریقا در این بازه زمانی بسیار افزایش خواهد یافت.

جمعیت بالای ۶۰ سال نسه تا سه دهه‌ی آینده دو برابر می‌شود که ۱۴-۷٪ آنها کارگران چینی، هندی و برزیلی

هستند.

در مناطقی با جمعیت سالخورده مانند اروپا، مهم‌ترین چالش افزایش هزینه‌های درمانی برای بیماری‌های مزمن و نگهداری و مراقبت از سالمندان است. تحقیقات نشان می‌دهد که ۳۰-۴۰ درصد هزینه‌های درمانی برای جمعیت بالای ۶۵ سال صرف می‌شود که این جمعیت در جهان در حال افزایش است. این درحالی است که هزینه‌های مراقبت این گروه نیز در حال افزایش است و تا سال‌های آینده، سیستم‌های درمانی و اجتماعی را تحت فشار مضاعف قرار خواهد داد.

سالخورده‌گی مسأله‌ای است که مقابله با آن مشکل است. در واقع، روندهای جمعیت‌شناسی از هر روند دیگر قطعی‌تر به نظر می‌رسند. زیرا با کاهش اپیدمی‌های غیر، خطر شهاب سنگ‌ها، نابودی سلاح‌های هسته‌ای و براساس نرخ زاد و ولد و مرگ و میر فعلی جمعیت دنیا، می‌توان جمعیت را در ۵۰ سال آینده به خوبی تخمین زد. با گسترش پدیده‌ی سالخورده‌گی با افزایش هزینه‌های درمانی روبه‌رو خواهیم بود. همچنین مسائل دیگری همانند سلامتی، جهانگردی پزشکی و برنامه‌ریزی سلامت، اهمیت پیدا خواهد کرد. نوع بیماری و عمل‌های جراحی در آینده به طور شگرفی تغییر خواهد کرد. در حال حاضر عمل‌های جراحی برای جوان‌تر شدن، مانند تغییر سطح صدا انجام می‌شود و انتظار می‌رود در آینده سرمایه‌گذاری بیشتری روی مواردی مانند بهبود حافظه و جایگزینی اندام فرسوده صورت گیرد. شاید در آینده ربات‌ها یاری رسان سالخورده‌گان شوند. استفاده از ربات‌های درمان‌گر از بهترین راه‌حل‌های مراقبت از سالمندان است. البته این امر زمانی که بشر شروع به بهره‌برداری از پاهای، دست‌ها و چشمانی با قابلیت‌های بالاتر از معمول می‌کند به مباحث جدی اخلاقی منجر می‌شود.

از دیگر مشکلاتی که افزایش سن و سالخورده‌گی جامعه با آن مواجه می‌شود کمبود نیروی جوان جهت اعزام به سربازی است که در آینده می‌تواند پیامدهای امنیتی دربرداشته باشد. در نهایت می‌توان گفت تحول عظیم مواجه شدن با یک جامعه پیر به لحاظ اقتصادی و اجتماعی تأثیر زیادی بر جامعه دارد، زیرا اد سالخورده نسبت به جوانان از پویایی کمتری برخوردار هستند. هرچند انتظار می‌رود که اد مسن در آینده توانایی‌های بهتری داشته باشند، همان طور که اد مسن امروزی در قیاس با گذشته عملکرد بهتری دارند.

در بررسی فرا روند سالخورده‌گی جمعیت دنیا چند موضوع را باید مورد توجه قرار داد:

- اول اینکه این موضوع بی‌سابقه است. به این معنی که در طول تاریخ جمعیت دنیا مشابهی برای آن نمی‌توان یافت.
- دوم آنکه گیر است. یعنی پدیده‌ی سالخورده‌گی پدیده‌ای جهانی است. که البته کشورهای مختلف دنیا در مراحل متفاوتی از این یند هستند. و زندگی تمام اد جامعه از جمله زنان، مردان و کودکان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. کشورهای که این یند را دیرتر آغاز کنند زمان کمتری برای انطباق با شرایط جمعیت سالخورده خواهند داشت.
- سوم روندی برگشت ناپذیر است. به این معنی که جهانی با جمعیت سالخورده به جمعیتی جوان باز نخواهد گشت. تند شدن آهنگ افزایش جمعیت سالمند، به خودی خود هشدار برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اجتماعی است که عموماً توجه زیادی را به اهمیت وجود برنامه‌ها و خط‌مشی‌های اجتماعی - اقتصادی معطوف می‌کند. ضمن اینکه نباید چنین توصیف کرد که افزایش تعداد این گروه یک فاجعه اجتماعی است، هر چند یک تغییر اجتماعی مهم محسوب می‌شود. تعداد زیادی از این سالمندان، این دوره از زندگی خود را بدون هرگونه ناتوانی، وابستگی و بیماری سپری می‌کنند. با این حال تدوین برنامه‌های جامع و منسجم، هدفمند، و مبتنی بر یافته‌های علمی و شناخت همه جانبه که با دقت و جدیت به اجرا درآیند، ضروری و تضمین‌کننده ارتقای کمی و کیفی زندگی ادی است که به سنین سالمندی می‌رسند.

۲-۳ فراروند جمعیتی پویا

ما انتظار یک تغییر جمعیتی بزرگ در جهان را تا سال ۲۰۳۰ داریم. برای فهم بهتر این پدیده باید آن را به چهار روند کوچکتر تقسیم کنیم.

- ۱- رشد جمعیت جهانی در حال افزایش
- ۲- کشورهای جوان در مقابل کشورهای پیر - جهانی پر از تضاد
- ۳- مهاجرت - جهانی در حرکت
- ۴- شهری سازی - شهرهای بزرگ در مقابل زمین‌های بایر

۱-۲-۳ رشد - جمعیت جهانی در حال افزایش

جمعیت جهانی تا سال ۲۰۳۰ تا ۱۸٪ یا یک میلیارد نفر افزایش پیدا می‌کند و به مرز ۸ میلیارد ۴ میلیون نفر می‌رسد که ما به سمت چالش‌هایی بزرگ (مانند کمبود منابع انرژی، آب، غذا و گسترش هزینه‌های سرویس‌های مراقبت سلامت و سیستم‌های آموزشی) و در عین حال فرصت‌های بزرگ (این یک میلیارد مشتریان بالقوه جدیدی هستند و با افزایش درآمد به گسترش بازار کمک می‌رسانند) تمرکز رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه ۶ برابر سریع‌تر از کشورهای توسعه یافته است که در نهایت جمعیت این کشورها تا سال ۲۰۳۰ به ۷ میلیارد نفر می‌رسد.

۲-۲-۳ کشورهای جوان در مقابل کشورهای پیر - جهانی پر از تضاد

به طور عمده به علت افزایش امید به زندگی، میانگین سن جهانی از ۴ سال، به ۳۳ سال تا سال ۲۰۳۰ افزایش پیدا می‌کند. به خصوص در کشورهای توسعه یافته این عدد به ۴۳ سال می‌رسد. گروه سنی بالای ۶۰ سال نسبت به دیگر گروه مشتریان، اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند.

۳-۲-۳ مهاجرت - جهانی در حرکت

امروزه ۳٪ جمعیت جهان به شکل مهاجر در دیگر کشورها زندگی می‌کند. امروز دلایل مهاجرت چند برابر شده است که مواردی همچون فاکتورهای سیاسی همچون کشمکش، عدم تقارن اقتصادی و عدم دسترسی به آموزش را دربرمی‌گیرد. تا سال ۲۰۳۰، آسیا ۲۴ میلیون، آمریکا لاتین و حوزه کارائیب ۱ میلیون و آفریقا ۹ میلیون مهاجر را خواهد داشت.

۴-۲-۳ شهری شدن - کلان شهرها در برابر زمین‌های بایر

تا سال ۲۰۳۰، ۶۰٪ جمعیت زمین در شهرها زندگی خواهند کرد. این وضعیت در کشورهای در حال توسعه تا ۸۲٪ در مقابل ۵۴٪ در کشورها توسعه یافته قرار دارد.

درگیر شدن با مصرف، تنها یک پدیده‌ی فرعی منشعب از تولید نبوده، بلکه معنای مستقلی داشته است. گسترش فرهنگ انبوهی مصرف و همینطور سبک زندگی که به همراه آن به وجود آمد، ناب‌ترین شکل تغییر اجتماعی را دنیایی به وجود آورد که اکنون در آن زندگی می‌کنیم.

۳-۳ فردگرایی افراطی

تکنولوژی‌های جدید به عنوان وسایل ارتباطی شناخته می‌شوند که ظرفیت آن‌ها رو به توسعه است و به عنوان «تکنولوژی‌های فردی» شناخته می‌شوند که حوزه‌ی استقلالی جدیدی از «فردگرایی» را منعکس می‌کنند. این فردگرایی لزوماً با خود خواهی باز تعریف نمی‌شود، بلکه لایه انتخاب‌گری فردی را منعکس می‌کند که به صورت ابزارمند حوزه‌ی مستقل تری را برای فرد هم می‌کند. این توسعه تابع توسعه‌های دیجیتالی با منطق ریاضی است که در آن روند‌ها اعم از متن، قابلیت هر نوع تغییر و یا ترکیب را پیدا می‌کنند.

بسیار یاز این تکنولوژی‌های جدید مانند نسل سوم گوشی‌های هوشمند از قابلیت مردمی بودن، گیر بودن و کثرت کاربران برخوردار هستند و به طور همزمان همچون حضور رودر رو، ایجاد تعامل می‌کنند و در این روند تفاوت میان فرستنده و گیرنده را از میان می‌برند.

روند تحولات رسانه‌ای و دو فضایی شدن جهان، ضرورت تحول معرفتی در فهم مقوله‌های اجتماعی را ضرورت می‌بخشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت: استفاده از فناوری‌های جدید یک امر فردی است که شدیداً تحت تأثیر عوامل و بسترهای اجتماعی است. فرد مفهومی است که در جامعه پیچیده جدید موضوع پراکندگی و چند رگه‌ای شدن هویت فردی و حوزه مستقل اجتماعی شده است. از این جهت تحلیل فرد در روند‌های جدید لذت‌گرایی، جدایی از حلقه‌های هنجاری خانوادگی، خویشاوندی و دوستی، قابل فهم است. روشن است که در این شرایط فر به تنهایی هویت خود را نمی‌سازد بلکه «تکنولوژی» و نوع تعامل با دیگران است که مسیر روزمره هویت و خود را می‌سازد. جبرهای اجتماعی و جبرهای تکنولوژیک در این روند نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

امروزه وسایل تکنولوژیک ارتباطی در واقع زمینه‌سازی گسترده‌ای برای مفهوم «فردگرایی» کرده است. این وسایل قابلیت انعطاف و انتخاب نوع ارتباطات را بالا برده و بر عهده فرد می‌گذارد. فرد است که در دسترس بودن یا نبودن خود را تعریف می‌کند و در عین حال پذیرش ارتباط خود را نیز تعیین می‌کند. استفاده‌های چند منظوره‌ی رسانه‌ای از وسایل ارتباطی نیز، در کانون بودن فرد را تجلی بیشتری می‌بخشد. با پرنگ شدن نقش وسایل اینچنینی در دنیای امروز توجه اد به مفهوم دیگری به نام «جمع‌گرایی» به شدت کاهش یافته است و روح جمعی و جمع‌گرایی به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. حال اگر جامعه با این شتاب در آینده تحت تأثیر پیشرفتهای تکنولوژیکی قرار بگیرد با روندی تحت عنوان «فردگرایی اطلی» روبرو خواهیم بود که در ادامه به تضعیف روحیه جمعی پیش خواهد رفت و به عنوان یک تغییر اجتماعی در جامع نیازمند مطالعات عمیق و کارآمد است.

۴ جهانی شدن و منطقه گرایی: (انفکاک یا هم گرایی)

۱-۴ جهانی شدن

جهانی شدن به عنوان یک فرا روند و تشدید آن پس از جنگ سرد نقش تعیین کننده و انکارناپذیری در تکوین و تقویت یند «منطقه گرایی نوین» ایفا کرده است. جهانی شدن و گسترش اقتصاد بازار آزاد، وابستگی متقال کشورها و مناطق مختلف جهان را به همراه داشته است. به طوریکه هیچ کشوری قادر نیست اقتصاد خود را مدیریت کند. در چنین شرایطی کشورها یا با هدف مقابله با جریان پرشتاب جهانی شدن و یا برای پیوستن به آن از راهبرد منطقه گرایی به عنوان یک بدیل سود می‌برند.

بنابراین جهانی شدن به دو صورت ممکن است به تکوین، توسعه و تقویت منطقه گرایی کمک کند.

در رویکرد اول دولت‌ها باید براساس رویکرد منطقه گرایی به تدریج به یند جهانی شدن بپیوندند که بر این اساس منطقه گرایی نه تنها تضادی با جهانی شدن ندارد بلکه نخستین گام در این یند به حساب می‌آید. به عبارت دیگر منطقه گرایی و جهانی شدن نه تنها در یند متضاد نیستند. بلکه مکمل یکدیگر بوده و همدیگر را تغذیه می‌کنند. (Tavares, 2004)

اما در رویکرد دوم منطقه گرایی در تقابل با جهانی شدن و مانعی بر سر راه آن تصور می‌شود. به طوری که کشورهای که زیر فشارهای جهانی شدن تضعیف شده و توان برآوردن مطالبات شهروندان خود را ندارند برای مقابله با یند جهانی شدن به منطقه گرایی متوسل می‌شوند. از این رو منطقه گرایی به جای اینکه مقصد جهانی شدن باشد نقش پلی میان ملی گرایی و جهان گرایی را ایفا می‌کند و خود راهبرد وضعیت مستقلى است که بین این دو قرار دارد و از هر دو متمایز و متفاوت است.

جهانی شدن برای هر متفکر با هر خاستگاه و مشرب فکری تعریف ویژه‌ای دارد. اما بی‌تردید جهانی شدن به عنوان یک فرا روند پدیده‌ی شگرفی است که بخش مهمی از ادبیات رایج در چند دهه‌ی اخیر را به خود اختصاص داده و بیشترین تأثیر را بر زندگی فردی و اجتماعی بشر معاصر گذاشته است.

امروزه جهانی شدن به عنوان یک روند تأثیرگذار به یکی از بارزترین و بحث‌انگیزترین ویژگی‌های زندگی معاصر تبدیل شده است. چرا که مفهومی سیال و منعطف داد و در واقع موجود لغزنده‌ای است که نمی‌توان به سادگی با آن تعامل نمود. (Taylor, 2003)

شاید بتوان جهانی شدن را «جهان شمولی دوران وابستگی متقابل» (Keohom & Nye) و یا «روابط بسیار شدید در مقیاس عمیق و وسیع، همراه با جریانات گسترده و مداوم در پهنه‌ی جغرافیای جهانی» (Held, 1995) تعریف نمود. گروه دیگر همچون تومان فریدمن به جهانی شدن‌های متعدد معتقدند. برای ایشان جهانی شدن معاصر، جلوتر، سریع‌تر، عمیق‌تر و ارزان‌تر از پدیده‌های گذشته جهانی است.

جهانی شدن را شاید بتوان یند فشرده‌ی زمان و مکان دانست که در آن تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز از قید و بندهای ملی گذشته رها می‌شوند و در قیود جدید جهانی - محلی گرفتار می‌آیند. این یند ضرورتاً یک

سویه و واحد نیست یعنی با یک جهانی شدن رو به رو نیستیم بلکه برعکس می‌تواند روندی متکثر و چند وجهی باشد که در آن بازیگران مقتدر سیاسی (شامل دولتها، بازیگران و نهادهای ملی و فروملی) و اقتصادی (شرکت‌های چندملیتی و جهانی) در تعامل و تقابل با تحولات این فرا روند از یک سو، و بازیگران اجتماعی (شامل سازمان‌های مردم نهاد) و فرهنگی (شامل رسانه‌ها و خرده فرهنگ‌ها) از سوی دیگر قرار دارند.

از این رو می‌توان مجموع دیدگاه‌های متفاوت درباره‌ی این فرا روند را در مفاهیم کلیدی چون جهانشمول شدن فرم‌ها و ارزش‌ها، لیبرالیسم اقتصادی، مدرنیته و بین‌المللی شدن دسته‌بندی نمود. (scholte, 2000)

درک درست و همه جانبه روند جهانی شدن مستلزم شناخت و تحلیل مناسب روندهای بدیل این فرا روند است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به «منطقه گرایی» و تأثیرات متقابل آنها با یکدیگر توجه داشت.

۲-۴ منطقه گرایی

منطقه گرایی یندی است که از طریق ایجاد منطقه آزاد یا اتحادیه گمرکی بین دولت‌ها به منظور آزادسازی یا تسهیل تجارب در سطح منطقه آغاز می‌شود. در واقع توسعه‌ی منطقه گرایی یکی از اشکال کلیدی آزادسازی تجاری است که در مراحل پیشرفته از همکاری تجاری به همکاری‌های اقتصادی و پولی، و سپس به هم گرایی سیاسی و امنیتی منتج می‌شود. منطقه گرایی به عنوان یک مکانیزم بازدارنده، منجر به ارائه راه‌حل‌های صلح‌آمیز برای بحران‌های موجود یا بحران‌های احتمالی بین اعضا شده و موجب تحکیم صلح می‌شود. در حقیقت این نوع منطقه گرایی فرصتی برای مذاکرات سازنده‌ی متقابل بین اعضا را هم می‌سازد.

در دهه‌های گذشته توجه و سطح تحلیل عمدتاً به سطح ملی یا بین‌المللی معطوف بود. اکنون در آغاز هزاره جدید مطالعات منطقه ای در کانون توجه و اهمیت قرار گرفته است. منطقه‌ای شدن که زمانی در قالب هم گرایی اروپایی تعریف می‌شد امروز در ساختارها و سازمان‌هایی چون اکو، نفتا، آ، سه، آن، اتحادیه آفریقا و سازمان کشورهای آمریکایی تجلیل و تبلور یافته است.

منطقه‌ای شدن به عنوان «بند تعامل منطقه» (Hettae, 2001) با «رشد همگرایی اجتماعی در یک منطقه» (Hurrell, 1995) که به شکل‌گیری یک هویت منطقه‌ای می‌انجامد، توجه و تلاش‌های نظری بسیاری را برانگیخته است. به شکلی که بسیاری از اندیشمندان و نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل تلاش کرده‌اند تا پدیده منطقه گرایی که بین ملی گرایی و جهان گرای قرار می‌گیرد را تبیین نظر می‌کنند.

نظریه‌های مختلف منطقه گرای از آغاز بند همگرایی اروپا، به عنوان اولین و موفق‌ترین نمونه منطقه گرایی، تغییر و تحول یافته‌اند. اما منطقه گرایی به عنوان یک روند از ابعاد مختلف دستخوش تغییر و تحول شده‌اند. که عبارتند از: اروپا زدایی، غیرسرزمینی شدن جغرافیا، نظریه پردازی و معناگرایی.

اروپا زدایی: بند منطقه‌ای شدن ابتدا از اروپا آغاز شد ولی در ادامه بر اثر تغییر و تحولات نظام بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل به تدریج انواع و اشکال جدیدی از منطقه‌ای شدن، خارج از اروپا و جهان توسعه یافته ظهور کرد که از تجربه عملگرایی اروپا متفاوت و متمایز بود. این روند جدید تلاش می‌کرد روند منطقه گرایی را در کلیه مناطق جهان مورد توجه و بررسی قرار دهد.

روند منطقه گرایی در آینده کمتر بر عنصر جغرافیا به عنوان کانون منطقه و منطقه گرایی تأکید می‌کند. در منطقه گرایی‌های کلاسیک منطقه بیشتر یک مفهوم جغرافیایی است و برحسب عامل جغرافیای سرزمینی و طبیعی تعریف می‌شود. اما به نظر می‌رسد در آینده، سرزمین، نقش بسیار کمتری در مفهوم منطقه گرایی داشته باشد. و مناطق به جای جغرافیای سرزمینی بر تراکم، شدت و کیفیت تعامل‌ها و میزان انسجام و همبستگی درون منطقه‌ای تأکید کنند. (Jessop, 2003)

بنابراین در آینده روند منطقه گرایی براساس مقولات و رویه‌های گفتمانی تصور می‌شوند که ممکن است براساس معانی که به آنها داده می‌شود و بافت و بستری که در آن به کار می‌روند از هم متمایز شوند. در این شرایط مناطق برحسب کنش‌های کلامی تعریف می‌شوند که بازیگران اجتماعی را می‌سازند. از این رو استرالیا یکی از اعضای غرب به شمار می‌آید هرچند هزاران کیلومتر از کانون غرب جغرافیایی فاصله دارد.

معناگرایی (Ideationalism): در پی غیر سرزمینی شدن جغرافیا، تأکید بر عوامل غیر مادی در روند منطقه گرایی مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این شرایط به جای تأکید بر معیارهای عینی، جغرافیا و وابستگی متقابل مادی، بر ایده‌ها و انگاره‌های شناختی و ایستاری ناشی از یئد جامعه‌پذیری منطقه سازان و برسازای اجتماعی منطقه تأکید و تمرکز می‌شود. (Beger and Luckman 1996).

از این جهت مناطق، پدیده‌های هویتی و شناختی هستند که توده مردم یا نخبگان به طور خاص در آنها احساس با هم بودن، تعلق داشتن به یکدیگر و ارزش‌ها و منافع مشترک دارند.

در این شرایط همگرایی ایستاری در کانون منطقه گرایی قرار دارد که بر مبنای هویت، ایستارها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک است. از آن رو در روند منطقه گرایی آنچه کشورها را گرد هم می‌آورد، اشتراکات فرهنگی، اجتماعی و ارزشی و تاریخی است.

به طور خلاصه می‌توان گفت، نظریه‌های معناگرا در منطقه گرایی بر خودآگاهی و هویت منطقه‌ای، احساس مشترک تعلق داشتن به یک اجتماع منطقه‌ای و آنچه «منطقه گرایی شناختی» (Cognitive Regionalism) نامیده می‌شود تأکید دارند. آنها بر میزان وابستگی انسجام منطقه‌ای، به احساس پایدار اجتماع بر مبنای پاسخگویی، اعتماد و درجه‌ی بالای از «وابستگی متقابل شناختی» تمرکز می‌کند. (Huelle, 1995)

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت در روندهای جدید منطقه گرایی در جهان، برخلاف منطقه گرایی‌های قدیم که بر نقش دولت‌ها در ساختارها و سازه‌های منطقه‌ای تمرکز می‌کند، منطقه گرایی نوین ناشی از نقش آفرینی طیف وسیعی از بازیگران دولتی، فردی و اجتماعی در درون و بیرون منطقه است. از نظر انگیزه و هدف نیز منطقه گرایی نوین تک بعدی و دارای یک متغیر نیست. منطقه گرایی نوین یک همگرایی چندبعدی و چندوجهی است که شامل ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و هدفی بسیار تر از ایجاد بازارهای تجارت آزاد و ائتلاف‌های نظامی - امنیتی منطقه‌ای دارد. (Hettle, 1999).

جهت و خطر منطقه گرایی قدیم متفاوت است. منطقه گرایی نوین برخلاف منطقه گرایی قدیم از بالا و به وسیله دولت‌ها یا ابرقدرت‌ها تحمیل نشده و از ضرورت‌های تغییرناپذیر و جبری ساختاری پیروی نمی‌کند.

مناطق به طور خودجوش به وسیله کنش انسانی و رویه‌ها و کردارهای انسانی در شرایط باز تعریف منافع و یندها ساخته می‌شوند (Gurgeland Houl, 1999) گستره و قلمرو منطقه‌گرایی جدید نیز گسترش یافته است. به طوری که منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای، بسیار تر از تجربه همگرایی اروپا رفته و به صورت یک پدیده عمومی و جهانی شمول درآمده است. (Tavares,2004)

تحت تاثیر فرا روند جهانی شدن، شهرها به عنوان بازیگران مهم عرصه جهانی معرفی می شوند. تا آنجایی که عصر حاضر را عصر شهری شدن جهان می نامند و شهری شدن جهان خود به عنوان یک فرا روند شناخته می شود و بسیاری از روند ها را تحت تاثیر خود قرار می دهد. با کاهش محدودیت های جریان های ملی در دوران جهانی شدن، مقیاس روابط بین شهری و شبکه های شهری نیز به سطح جهانی ارتقاء یافته است که در پیوند بین آنها محدوده های ملی درنور دیده می شود و یک «شبکه شهری جهانی» بوجود می آید.

در سال ۱۹۵۰، کمتر از ۳۰ درصد مردم جهان در شهرها زندگی می کردند. اخیرا جمعیت شهرنشین دنیا تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. پروژه های سازمان ملل نشان می دهد که تا سال ۲۰۳۰ جمعیت شهرنشین جهان به چهارمیلیارد و نهصد میلیون نفر خواهد رسید. برآورد سازمان ملل متحد نشان می دهد که امروزه ۲۲ فرا شهر بزرگ در سرتا سر جهان وجود دارد که جمعیت آنها بالای ۱۰ میلیون نفر است. که از این تعداد ۱۷ فرا شهر در کشورهای توسعه یافته اقتصادی قرار دارد. این افزایش رشد جمعیت شهری در آینده، عمدتا در آسیا و آفریقا رخ خواهد داد که عمده ای این افزایش جمعیت تحت تاثیر مهاجرت از روستا ها به سمت شهرها خواهد بود. طبق این گزارش پیش بینی می شود که جمعیت شهرنشین دنیا تا ۲۰۵۰ تا ۷۲ درصد افزایش یابد. (UN Department of economic and social Affairs)

در کشورهای توسعه یافته اقتصادی و شهر های قدیمی در این کشور ها این گسترش جمعیت شهری نسبت به کشورهای در حال توسعه رو به رکود است. در حالی که در اقتصاد های نو ظهور، جمعیت شهری با سرعت زیادی در حال افزایش است این شهر ها به سرمایه گذاری های عظیمی در زمینه ی هوشمند سازی به منظور جای دادن این جمعیت تازه وارد نیاز پیدا می کنند. بسیاری از تحلیل گران معتقدند که ممکن است رشد فرا شهرها به منظور جای دادن اد و امکانات، ان ها را به رقیبی برای دولت ها مبدل سازد که این امر خود مستلزم ایجاد تغییرات اساسی در ساختار های شهری است. این تغییرات به خودی خود نیازمند سرمایه گذاری در زمینه حمل و نقل شهری، گسترش فرودگاهها و بزرگراهها، افزایش امکانات در زمینه آموزش، سلامت، امنیت و ارتباطات الکترونیک، جذب نیروی کارو مسائل مربوط به حوزه ی انرژی و آب است. اما در آینده مشکلات مربوط به تغییرات آب و هوایی و فقر، شهر ها را در حالت رقابتی نسبت به یکدیگر قرا خواهد داد.

شهری شدن جهان به عنوان یک فرا روند اساسی شناخته می شود. شهرها زادگاه جهانی شدن هستند و جهانی شدن در شهرها رخ می دهد. آینده های جهانی شدن باعث دگرگونی شهرها شده و کارکرد شهرها نیز جهانی شدن را باز تولید می کند. شهرهای معاصر تجسم فضایی جهانی شدن است و پویایی شهری بر بند جهانی شدن تاثیر کاملا ملموسی دارد. کاستنر با به کارگیری مفاهیمی چون فضای جریان ها، جهانی شدن را ظهور جامعه ای شبکه ای با پیوندهای متکی بر فشرده گی زمان و مکان با اتکا به فناوری های اطلاعاتی می داند. او شهرهای جهانی را مراکز فرماندهی و مدیریت شبکه های اقتصادی می داند.

از نظر نظریه‌پردازانی همچون رنه ثورت، تیلور و کاستنر، زمانی که یک شهر در فضای جریان‌ها قرار می‌گیرد و وارد شبکه می‌شود و به عنوان یک گره در شبکه به نقش آفرینی می‌پردازد در حقیقت به مرحله‌ی شهر جهانی یا (world city) قدم می‌گذارد. از نظر کاستنر به محض اینکه شهری وارد فضای جریان‌ها می‌شود و در آن نقش آفرینی می‌کند در جرگه world city ها قرار گرفته است.

۱-۵ شهرهای جهانی

در طول دهه‌های اخیر، برای تبیین روابط بین شهرها و جهانی شدن و تحولات شهری منتج از آن، نظریه‌های گوناگونی مطرح شده است؛ در این میان نظرات «جان فریدمن» و «ساسکیس ساسن» تعیین کننده تر بوده اند. فریدمن در سال ۱۹۸۹ در مقاله «فرضیات شهر جهانی» یند ظهور این شهرها را با هفت فرض اساسی تشریح کرده است.

- ۱- ادغام یک شهر با اقتصاد جهانی، برای تغییراتی ساختاری که در داخل آن رخ می‌دهد، ضروری است.
- ۲- شهرهای بزرگ به عنوان نقاط پایه در سازمان فضایی شهرها لازم می‌باشند. درهم تنیدگی تولیدات و بازارها امکان ظهور «شهرهای جهانی» را در یک سلسله مراتب پیچیده‌ی فضایی ممکن می‌سازند.
- ۳- کارکردهای کنترل جهانی «جهان شهرها» در بخش تولیدی آن‌ها انعکاس می‌یابد.
- ۴- شهرهای جهانی مکان‌هایی عمده برای تمرکز و انباشت سرمایه بین‌المللی محسوب می‌شوند.
- ۵- شهرهای جهانی هدف مهاجرت‌های گسترده در دو بعد داخلی و بین‌المللی هستند.
- ۶- شهرهای جهانی تحت تأثیر اثرات متناقض اجتماعی سرمایه‌داری و همین طور قطبی شدن فضایی و طبقاتی هستند.

۷- رشد شهرهای جهانی هزینه‌های اجتماعی را در سطوحی که افزون بر ظرفیت مکانی است، به بار می‌آورند. (friedman, 1986)

ساسن نیز در سال ۲۰۰۵ در تبیین متفاوتی از رابطه شهرها و جهانی شدن، فرضیه ای تدوین کرد. این فرضیات در مقاله «مقدمه‌ای بر مفهوم شهر جهانی» ارائه شد. فرضیات وی عموماً بر نیازهای اقتصاد جهانی به کارکردهای مرکزی انباشتگی تاریخی فعالیت‌ها و زیر ساخت‌ها در شهرها و هماهنگ شدن شهرها با تحولات اقتصادی و اجتماعی جدید ناشی از جهانی شدن فزاینده در دوره‌ی معاصر تأکید دارد. (sassen, 2005) از نظر ساسن ظهور شهرهای جهانی، نتیجه جهانی شدن فعالیت اقتصادی و ساختار سازمانی خدمات تولید کننده و صنعت‌های مرتبط با آن است.

از این زمان به بعد، و رویکرد نسبتاً متفاوتی در مطالعات شهرهای جهانی با محوریت نظریه‌های فریدمن و ساسن شکل گرفت که تمایزات آنها رو به تفاوت بیشتر دارد. (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰)

با وجود تنوع اصطلاحات مورد استفاده برای شهرهای جهانی، اکنون دو اصطلاح world city و Global city پرکاربردترین اصطلاحات در ادبیات شهر جهانی است. برخی از محققین تفاوتی بین این دو اصطلاح قائل نمی‌شوند ولی در سالهای اخیر به شدت کاربرد جداگانه این اصطلاحات افزوده شده و برای ایجاد تفاوت‌هایی بین آن دو تلاش می‌شود. ساسن در سال ۲۰۰۱ در کتاب «شهر جهانی: نیویورک، لندن، توکیو» تفاوت این دو اصطلاح را این گونه بیان می‌کند: «تفاوت بین مفهوم کلاسیک world city و اصطلاح Global city، در سطح عام و خاص بودن تاریخی آن

است. مفهوم اول، نوع مشخصی از بی‌زمانی را به همراه دارد ولی مفهوم دوم نشانگر یک مرحله‌ی اجتماعی، فضایی و تاریخی است. (ساسن ۲۰۰۱) از نظر او «شهرهای جهانی بسیار بزرگ هستند اما همه‌ی شهرهای بزرگ جهانی نیستند. «شهرهای جهانی» شهرهای هستند که در «شبکه شهری جهانی» (Global urban network) قرار دارند و در آن‌ها جریان‌ها، اد، کالاها، عقاید و کارکردها با هم در ارتباطند، اما این ارتباط سست، ناپایدار و ضعیف است. در مقایسه، «جهان شهرها» کانون و مرکز ثقل شبکه شهری جهانی و تمامی فعل و انفعالات مرتبط با آن هستند.

به نظر می‌رسد که اصطلاح «جهان شهر» ساسن در مقیاس با اصطلاح «شهر جهانی» فریدمن اصطلاحی بسیط‌تر و تفضیلی‌تر است. به عبارت دیگر «جهان شهر» بیشتر از شهر جهانی بر رابطه ویژه میان فراشهرهای کلیدی و بند گسترده‌تر جهانی شدن تأکید دارد. از اینرو همه، «شهرهای جهانی» لزوماً «جهان شهر» نیستند، اما همه «جهان شهرها، قطعاً، شهر جهانی» اند. (قورچی، ۱۳۹۰)

جهانی شدن در شهرها، به ویژه در مادرشهرها و شهرهای بزرگ حادث می‌شود. ظهور نظام جهانی تولید، بازار، امور مالی، خدمات ارتباطات راه دور، فرهنگ‌ها و سیاست‌ها، از نظر فضایی و در درون شبکه‌ی جهانی از شهرها به وضوح نشان داده شده است. (sassen, 1996) تغییرات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در مقیاس جهانی اثرات بنیادینی در تجدید سازمان و باز ساخت شهرهای بزرگ بر جای می‌گذارد. بدین سبب ارزیابی روندهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در مقیاس جهانی، یک ضرورت اساسی در ادراک تحولات شهری در سرتاسر جهان است.

با این حساب اگر یک شهر صرفاً مرکز تعاملات و پویای اقتصادی - فرهنگی - سیاسی یا یکی از آنها باشد، شاید به یک شهر جهانی تبدیل شود ولی تا رسیدن به منزلت یک «جهان شهر» فاصله‌ی زیادی دارد. بنابراین «شهرهای جهانی» به موازات کارکردهای مخصوص خود، برای دستیابی به جایگاه «جهان شهر» نیازمند تحولاتی اساسی در خود هستند. شهرهای جهانی باید:

- به عنوان کانون پیوند دهنده جریان‌های جهانی عمل کنند.
- کارکردهای چندگانه و چشمگیر جهان شهرها را اجرایی کنند.
- در بطن چنین کارکردهای، نقش‌های فرماندهی بی واسطه را ایفا نمایند.
- نوعی نظم مزبور را از طریق فعالیت‌های کارآفرینی در جهت جنبه‌های جهانی برنامه‌ریزی کنند. (Acuto, 2002)
- ساسن برای شناسایی شهرهای جهانی چهار ویژگی را برمی‌شمرد.
- (۱) آنها مراکز فرمان بسیار متمرکز، سازمان اقتصاد جهانی هستند.
- (۲) آنها مکان‌های کلیدی برای شرکت‌های خدماتی تخصصی و امور مالی هستند.
- (۳) بخش‌های تولیدی هستند (نه تنها از نظر مادی، بلکه از نظر اندیشه‌ای)
- (۴) بازاری برای محصولات و نوآوری‌های تولیدی هستند.

ساسن معتقد است با شروع قرن بیستم «شهرها یک بار دیگر به عنوان بخش‌های راهبردی برای فهم برخی روندهای جدید ظهور کردند و نظم اجتماعی را مجدداً پیکربندی می‌کنند.

(sassen, 2000)

با توجه به شاخص‌های موردنظر ساسن آنچه نمایان می‌شود آن است که در این نظریه علاوه بر بعد اقتصادی مالی، بعد فرهنگی و اجتماعی در تمام شاخص‌های وجود دارد.

اما کاستلز نیز به عنوان یکی از نظریه پردازان «شهر جهانی» آنها را با شهر اطلاعاتی مترادف می‌گیرد و فعالیت موثر این شهرها در فضای جریان‌ها را مبنای توصیف آنها تلقی می‌کند. کاستلز شهر جهانی را نه فقط براساس عملکرد و ویژگی‌های آن، بلکه به عنوان، پدیده‌های شبکه‌ای شده می‌بیند و بیان می‌کند که وضعیت و نقش ویژه شهرهای خاص هر چه باشد، ویژگی بارز آنها شبکه‌ای بودن آنهاست. (کاستلز، ۱۹۹۶: ۳۵)

کاستلز در توضیحات خود از شهرهای جهانی بر وضعیت تأثیرپذیری آنها از فن‌آوری‌های ارتباطات و اطلاعات تأکید می‌کند. کاستلز با نگرش به تأثیرپذیری شهرها از فن‌آوری‌های ارتباطات و ظهور اقتصاد اطلاعاتی، شهرهای جهانی را نه یک مکان بلکه یک پند تلقی می‌کند. یندی که مراکز تولید و مصرف خدمات پیشرفته و جوامع محلی وابسته به آنها را در یک شبکه جهانی به یکدیگر پیوند می‌دهد. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۶۲)

برخی ویژگی‌های شهرهای جهانی از نگاه پژوهش‌های مختلف به شرح زیر است:

- آشنایی بین‌المللی با نام شهر، بدون نیاز به واحد سیاسی بالاتر که دولت متبوع اش است
- مشارکت و ایفای نقش موثر در وقایع بین‌المللی
- جمعیت چند میلیون نفری
- سیستم حمل و نقل پیشرفته
- دارا بودن شعبه‌هایی از نهادهای مالی بین‌المللی، موسسات حقوقی، شعب مرکزی شرکت‌های چند ملیتی و مراکز بورس که همگی تأثیر عمیقی بر اقتصاد جهانی دارند.
- زیر ساخت‌های پیشرفته ارتباطی که توسط شرکت‌های پیش رفته ملی ایجاد شده‌اند، مانند شبکه اینترنت بی‌سیم، خطوط تلفن همراه و...
- دارا بودن نهادهای فرهنگی معروف بین‌المللی همچون موزه و دانشگاه.
- چشم‌انداز فرهنگی پویا (شامل برگزاری فستیوال‌های فیلم، موسیقی و ...)
- وجود چندین رسانه موثر و قوی بین‌المللی با برد جهانی
- موسسات ورزشی و قومی و برگزاری رویدادهای مهم ورزشی بین‌المللی شامل المپیک و جام جهانی و...

۲-۵ دیپلماسی شهری

با کاهش محدودیت‌های جریانات ملی در دوران جهانی شدن، مقیاس روابط بین شهری و شبکه‌های شهری نیز به سطح جهانی ارتقاء یافت. به گونه‌ای که برخی شهرها به عنوان حلقه واسط شهر ملی و جهانی عمل می‌کنند و موجب پیوند شهرهای ملی به شهر جهانی می‌شوند. نقش‌هایی که شهرهای متأثر از جهانی شدن ایفا می‌کنند دارای دو وجه ملی و جهانی است. تا میانه قرن بیستم جریانات وسیع کالا و خدمات و اد بین شهرها، در درون مرزهای ملی انجام می‌شد و

جریانات بسیار کمی بین شهرها از مرزهای ملی عبور می‌کرد ولی زمانی که شرکت‌های مستقر در تعدادی از شهرهای جهان، کسب و کار خود را در دیگر کشورها توسعه دادند، موازنه روابط بین شهری در درون و برون مرزهای ملی تغییر کرد. شهرها از نظر نحوه اداره و توزیع قدرت و میزان استقلال نسبت به دولت‌های ملی نیز از جهانی شدن متأثر شده‌اند. کاهش قدرت و اختیارات دولت ملی، افزایش دموکراسی و تغییر شیوه اداره شهرها از حکومت به حکمرانی شهری را از پیامدهای جهانی شدن در کشورها است. ورود به دوران جدیدی از رقابت شدید بین شهرها، موجب تغییر امنیت و قدرت عمل دولت و عوامل محلی در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌ها شده است. شرایط جدید الزاماتی را مطرح می‌سازد که نظام مدیریت سنتی شهرها قادر به تأمین آنها نیست. تحولات اخیر در مدیریت شهری نتیجه لزوم هماهنگی بین منافع محلی و فرصت‌های حاصل از جهانی شدن است.

به طور کلی، دو شاخص مهم برای بررسی تأثیرات جهانی شدن به مدیریت شهری شامل تمرکززدایی از قدرت دولت‌های تمرکزگرا به نفع مدیریت شهری و گذار از الگوی سنتی حکومت شهری به حکمرانی شهری است. تمرکز زدایی از قدرت و منابع دولت‌های مرکزی در راستای افزایش رقابت بین شهرها و شناخت بهتر مدیریت‌های محلی از توانایی‌های محلی و فشارهای جوامع محلی برای استقلال بیشتر در بسیاری از کشورها تجربه می‌شود. این اقدامات برای تقویت شهرها در بند رقابت جهانی و تأمین نیازهای شهروندان با همکاری و مشارکت آنها انجام می‌شود. تمرکززدایی به معنی انتقال قدرت، مسئولیت و منابع قدرت از دولت یا حکومت مرکزی به نهادهای اداری محلی یا سازمان‌های مستقل از دولت است. به طور کلی تمرکززدایی نیاز مدیران محلی برای دستیابی به اهرم‌های مقرراتی و هماهنگی بیشتر برای مداخله راهبردی در بندهای محلی را تأمین می‌سازد. از منظر مهم دیگری نیز تمرکز زدایی به نیاز شهروندان و انجمن‌های آنها برای دانش خودکفایی و تأثیرگذاری بیشتر در سطوح دولتی نزدیک به آنها پاسخ می‌گوید. (Edgar, 2000: 9)

تحول مهم دیگر در شیوه اداره شهرها، پذیرش دخالت عوامل غیردولتی متعدد در ترکیب قدرت و بند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برای توسعه شهری است. این تحول مهم با استقرار الگوی مدیریتی حکمرانی شهری همراه است که در آن تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برای اداره شهرها با مشارکت همه منابع قدرت شهری شامل کنشگران بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی انجام می‌شود.

دیپلماسی شهری همراه با توسعه فناوری اطلاعات و پیشرفت شبکه‌های ارتباطی شهرها به بازیگران اصلی در ارتباطات جهانی و فضای اقتصادی تبدیل شدند. تمرکز مناطق مختلف در شهرها نشان می‌دهد که جهان به سمت شهرنشینی و توسعه فرا شهرها به سرعت پیش می‌رود و این تغییرات منجر به خلق شهرهای جهانی می‌شود. در این زمینه شهرها به اندازه کافی صاحب نفوذ می‌شوند و در فعالیتهای دیپلماتیک توانا می‌شوند و آنها می‌توانند موقعیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تکنولوژیکی و موقعیتهای زیربنایی خود را ارتقا دهند. آنها با اقداماتشان شکل جدیدی از دموکراسی را نشان می‌دهند که دیپلماسی مدرن جهانی نامیده شده است و به عنوان دیپلماسی شهری از آن نام برده می‌شود. شهرها اکنون می‌توانند به توسعه و پیشرفت دیپلماسی کمک کنند. همانطور که در زمینه‌های تکنولوژی پیشرفت به وجود آمده شهرها نیز می‌توانند به افکار عمومی احترام بگذارند و معنای منافع مشترک را گسترش دهند. در این زمینه باید حضور و

مداخله مقامات، سازمان‌ها و موسسات محلی را به عنوان بازیگران جدید در تعاملات بین‌المللی محسوب کرد. (council of Europe-2015)

در جهان مدرن با تغییرات ساختار جهانی دیپلماسی نیز تغییر کرد. محو شدن حاکمیت از دولت ملی توسعه ارتباطات فناوری، حضور بازیگران غیردولتی و افزایش دانش عمومی اساسی‌ترین عواملی هستند که نقش مهمی را در تحولات دیپلماسی بازی می‌کنند. در جهان مدرن دیپلماسی رسمی دیگر قابل شناسایی نیست. شهروندان خود نیازهایشان را در تعاملات بین‌المللی اداره و تهیه می‌کنند. از آنجایی که وابستگی شهروندان به ملت‌ها گسترش یافته، جوامع به کارشناسان به خصوص کارشناسان مسائل شهری نیاز دارند، تا بتوانند مسائل و مشکلات بیشماری که در بین ملت‌ها رواج دارد را حل کنند و از مزایا و برتری محلی خود سود ببرند. در این زمینه، شهرها به اندازه کافی نفوذ و قابلیت برای انجام فعالیت‌های دیپلماتیک به دست آورده‌اند. شهرها شکل جدیدی از فعالیت دیپلماتیک را در جهان مدرن انجام داده‌اند. دیپلماسی شهری و متعاقب آن سیاست خارجی شهری کارکرد و ابعاد مختلفی دارد. این ابعاد را می‌توان به چند کارکرد تعمیم داد: تسهیل ارتباطات، مذاکره در مورد توافق‌نامه‌ها، جمع‌آوری اطلاعات، جلوگیری از تعارض و... نشانه تشکیل یک جامعه بین‌المللی شهری است.

۳-۵ حکمرانی خوب شهری

حکمرانی مفهومی وسیع‌تر از حکومت دارد و اذعان به این موضوع است که قدرت در درون و بیرون از اختیارات و نهادهای رسمی حکومت وجود دارد. حکمرانی مفهومی وسیع‌تر از مدیریت دارد و بر تمرکز بر مکانیزم‌ها و یند اداره، مدیریت و پیاده‌سازی آن تمایل دارد. حکمرانی بر یند تأکید دارد. تصمیمات بر اساس ارتباطات پیچیده بین بازیگران بسیار با ترجیحات متفاوت اخذ می‌گردد. (UN-HABITAT, 2002)

از منظر برنامه توسعه سازمان ملل متحد هدف حکمرانی «تحقق توسعه‌ای است که اولویت را به فقرا می‌دهد، آرمان‌ها زنان را پیش می‌راند، از محیط زیست حمایت می‌کند و فرصت‌های مورد نیاز برای اشتغال و امرار معاش را خلق می‌کند.» از نظر یونسکو حکمرانی شهری عبارتند از: «یندهایی است که پیوندهای مختلف بین ذینفعان، مسئولان محلی و شهروندان را رهبری می‌کند و شامل استراتژی‌های پایین و بالا و بالا به پایین بر مشارکت فعالانه اجتماع‌های مورد نظر، مذاکره باز میان بازیگران، مکانیزم‌های تصمیم‌گیری شفاف، و خط مشی‌های مدیریت شهری نوآور می‌شود.» (Kaufmann, 2006)

در برنامه سکونتگاه بشری سازمان ملل متحد تعریف دیگری از حکمرانی شهری ارائه شده که عبارت است از: «مجموع بسیاری از راه‌هایی که توسط آن‌ها، اد و نهادها، عمومی و خصوصی، به برنامه‌ریزی و مدیریت امور مشترک شهر پردازند. حکمرانی شهری یک یند مداوم است که که از طریق آن منافع مختلف و متعارض می‌تواند وفق داده شود و اقدام همکارانه اتخاذ شود. حکمرانی شهری شامل نهادهای رسمی همانند ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است.»

در حالی که تعاریف و رویکردها به مفهوم حکمرانی بسیار است اما می‌توان سه مسیر متمایز آنها تشخیص داد. اولین آن این است که رویکرد مفهوم حکمرانی، بر دولت متمرکز است، که در ادامه با انتقادهایی روبه‌رو شد با افزودن «مشارکت قوی جامعه مدنی در امور عمومی» تعمیم یافت. عده‌ای دیگر با اضافه کردن دموکراسی و مشروعیت و به رسمیت شناختن مراکز قدرت جایگزین حکومت سنتی مسیر متمایز بعدی را ارائه دادند. (Mc comey, 2003) دست آخر مفهوم حکمرانی شهری است که بر سطح محلی و به ویژه در بستر شهری تمرکز می‌کند. این رویکرد کنشگران غیرقانونی، سازمان‌های غیررسمی و جنبش‌های اجتماعی را نیز دربرمی‌گرفت و این عناصر را در توسعه شهرها به رسمیت می‌شناخت. (Esko lange, 2009)

امروزه واژه حکمرانی شهری به صورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد و بسیاری از یندهای آن، دیگر صرفاً شامل سازمان‌ها و نهادهای حکومتی نیست، بلکه طیف وسیعی از سازمان‌های غیردولتی، اتحادیه‌های صنفی و مدنی، مشارکت بخش‌های خصوصی و عمومی و نظایر آن را شامل می‌شود. و «یک توافق در حال ظهور وجود دارد که حکمرانی خوب شرط اساسی برای توسعه پایدار بشری سکونتگاه است.»

برقراری حکمرانی خوب شهری شرط ورود به دنیای جهانی است. این شرط باعث خواهد شد تا شهروندان نگاه خوشبینانه‌ای به روند جهانی شدن شهرها داشته باشند.
جهانی شدن با تجدید ساختار شغلی همراه است :

این الزام وجود دارد تا در تجدید ساختار اقتصادی حکمرانی، نگاه انسانی به جهانی شدن شهر دیده شود و تنها به مسائل اقتصادی اندیشیده نشود. اگر حکمرانی خوب شهری نادیده انگاشته شود به بنیان‌های پایداری کشور لطمه خواهد زد. در نظام جدید اقتصادی منابع بلعیده می‌شوند و نتایج زیانبار اقتصادی و زیست محیطی برای شهرها به وجود می‌آورد. برقراری حکمرانی به معنای ایجاد امنیت است نه به معنای عامل بازدارنده‌ی جهانی شدن شهرها.

فضای امن برای سرمایه‌گذار و شرکت‌های چند ملیتی امری بسیار حیاتی است به ویژه اینکه فعالیت آنها در یک شبکه برگره‌های شبکه تأثیر خواهد گذاشت. حکمرانی خوب شهری باید ضمن ایجاد زمینه‌ی امنیت از پیامدهای منفی زیست محیطی اجتماعی و اقتصادی جهانی شدن بکاهد. حکمرانی خوب می‌تواند ضمن تشویق و ترغیب به ورود به جهانی شدن، تدبیری برای ممانعت از پیامدهای منفی آن شود.

- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸) تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی، مجله مطالعات اوراسیای مرکزی.
- کورنیش ادوارد، شش فرا رندی که آینده را شکل می‌دهند. ترجمه سیاوش مکی فر، باشگاه آینده پژوهان جوان.
- سالخوردگی در جامعه مصرفی، یان ری جونز، مارتین هایدو دیگران (۲۰۰۸) انتشارات پالی، دانشگاه بوئیستول.
- سالخوردگی جمعیت در ایران، کوششی مجید و همکاران، ۱۳۹۲، دانشگاه تهران.
- کاستنر مانوئل (۱۳۸۰) ظهور جامعه شبکه‌ای (اقتصاد، جامعه، فرهنگ) ترجمه: احمد علیقیان، افشین خاکبار و علی پایا، تهران: حراج نو.
- سازمان ملل متحد، گزارش سالخوردگی جمعیتی دنیا ۲۰۱۳.
- پوراحمد، احمد و مهدی قرخلو، سیروس موسوی، (۱۳۹۰) بررسی مفاهیم و شاخص‌های نظریه شهر جهانی، باغ نظر - ۴۲-۲۴.
- قورچی، م (۱۳۹۰) تبیین ژئوپولیتیکی کلان‌شهرهای جهان تأملی بر تفاوت‌های مفهوم شهر جهانی و جهان شهر، فصلنامه ژئوپولیتیکی، ۴۱-۶۹.

-Introdoc/groups/ puglic/ documents/Nispacee/ UNPANO 1878.

Beger and luckman (1996) the school cost ruction of reality. Harm andworht penguin.

- Hurrell, Andrew (1995) "Regionalism in Theoretical perspective" in Louis intentional order, oxford and NewYork oxford university press.

- Jessop, Bob (2003), the political Economy of scale and construction of cross- border micro Regions.

- Hettthe, Biom- (2001) The new Regionalism series, London, Mocmilan press.

- Grugel and Hut, (1999) Regionalis the North – south divide , London and Newyork

-United Nation(2013), world population ageing, united Nations, Department of Economice and social Affairs, population Division.

- Tavares, Rearigo(2004) "The state of the Regionalism the past , present and future of discipline, available at unpanl un org/

- UN HABITAT (2002) The global complain on urben coverance. Retrieved from www. Unhabtat . org/ donloads/docs/2099-24826-concept paper.doc.

- unDP. (1997) Reconceptualizign coverance, Newyork UNDP

- M corrage p. (2003) confronting critical dis juncture in governance of cities, the Johns hopkings university press.

-Esko lange of (2009) urban coverage : An Essential Determinant of city development? Bonn.

-Kaufmann, D. Leautier, f, mastruzzi, N(2006)

Globalization and urban performance, Washington DC world Bank Institute.

Acuto, M (2009), localizing the global, city through the Inulisible college.-

-Friedman (1986), the word city thypothesis, New York. Cambridge university press.

-Sassen, s (2001) the global city. New York London , Tokyo. Priceton university press.

- (2005) the global city. Introducing a concept. Brown Journal world Affaris.

- (2008) specialization cities make difference. At (Enr. Contruction coml. / opinions / viewpoint / archives / 080730, asp)

- (2007) the blobal city- New York, londong, Tokyo, a sociology of Globalization , P,106